



همبند باطنی مهره تالارین

### گفت‌وگو با حسین پارسایی درباره‌چالش‌های وضعیت نمایش‌های موزیکال و دیدگاه منتقدان نسبت به آثار او

## با کلمات ترور می‌شوم



**شرق**؛ شروع فعالیت‌های حرفه‌ای و تئاتری حسین پارسایی به ابتدای دهه ۶۰ برمی‌گردد. او هم‌زمان با شروع جنگ، چندین نمایش را روی صحنه برده است. سال‌هایی که برای او تجربه‌های تازه‌ای رقم می‌زند و به فعالیت‌های او از دهه ۷۰ به بعد شکل جدیدتری می‌دهد. اما در سال‌های اخیر نام پارسایی با اجرای نمایش‌های موزیکال کره خورده است. نمایش‌هایی که مخالفان و موافقان بسیاری دارد. به بهانه «هفت خان اسفندیار» که این روزها حسین پارسایی روی صحنه دارد با او درباره نمایش موزیکال **گفت‌وگو** و این گونه نمایشی را آسیب‌شناسی کرده‌ایم.

- خاطرم هست مدت‌ی قبل اشاره کردید قصد دارید مدتی از کارگردانی نمایش موزیکال فاصله بگیرید. اما کارگردانی نمایش «هفت خان اسفندیار» خلاف گفته‌های اخیر شماست.**

از سال ۹۷ تا امروز که موزیکال اسفندیار را بر صحنه دارم، چند سالی از این گونه نمایشی فاصله گرفتم تا شرایط مناسبی برای اجرای یک موزیکال ایرانی فراهم شود. سال‌ها در این حوزه آزمون و خطا کردم تا آنچه که شایسته و پایسته موضوعات ناب و سوزنده‌های تأثیرگذار است به صحنه بیایم. بیش از سه دهه است که گونه‌های مختلفی را در تئاتر تجربه می‌کنم و مثل همه آثار نقاط قوت و ضعفی در آثرم دیده می‌شود. خوشبختانه رشد فرآیندهای در تئاتر کشور دیده می‌شود. اتفاقات درخشانی در گروه‌های دانشجویی و مستقل افتاده است و حضور هنرمندان و پیش‌کسوتان این عرصه نماد بالندگی تئاتر کشور است. البته اتفاقات ناخوشایند هم کم نداشتیم و همیشه این فراز و فرود برای تئاتر کشور وجود داشته است. به همین نسبت هم همواره سلاطینی در تئاتر به وجود آمده است و هر فردی تمایل دارد به همان سبک و سیاقی که تجربه کرده یا آموخته در تئاتر فعالیت کند. من هم یکی از همین آدم‌ها هستم. علاقه‌مندی من به اجرای نمایش موزیکال اتفاق تازه‌ای نیست و ریشه در گذشته من دارد. در دهه ۶۰ نمایش‌هایی همراه ارکستر یا موسیقی پلی‌بک با عنوان صدا، نور، حرکت اجرا می‌شد. سال‌ها تلاش کردم با اتکا به نمونه‌های موفق مطالعاتم را در این زمینه گسترش دهم و بیشتر حوزه تئاتر موزیکال را بشناسم. در طول این سال‌ها بسیاری از گروه‌ها سعی کردند تجربه موزیکال داشته باشند. پیش از من نیز چنین آثاری روی صحنه رفته و در دوره خودشان درخشان بودند. آثار خادم پری صابری از همین دست است. به نوعی یک ابرای فارسی بودند.

- در تمام سال‌های گذشته شما از عتاب و خطاب منتقدان دور نبودید و فعالیت شما همیشه زیر ذره‌بین است. خصوصا وقتی نمایش‌های موزیکال با پروداکشنی عظیم روی صحنه می‌برید.**

یکی از جدی‌ترین نقدهایی که به فعالیت‌های شما وارد است موضوع تأمین بودجه برای به‌صحنه‌بردن نمایش‌هاست.

این‌بار هم با چنین واکنش‌هایی روبه‌رو هستید؟

به عنوان یکی از علاقه‌مندان تئاتر موزیکال سعی کردم تجربه‌های بیشتری در این عرصه کسب کنم و هم‌زمان شد با دوره‌ای که مسئولیت‌های دولتی داشتم. چالش اصلی این بود: چرا حسین پارسایی که سال‌ها نمایش‌های مذهبی روی صحنه برده است حالا سراغ ترجمه‌ای از جنس موزیکال رفته است و ادعا می‌کند ادای دینی به سینمای موزیکال است. در واقع من در ذهن منتقدان محکوم بودم تا آخر عمرم به ساخت نمایش‌های موضوعی پردازم در غیر این صورت در معرض آماج حرف و حدیث‌ها و چالش‌های فراوان بودم. از موضوع موزیکال‌ها بگیریم تا حضور سلبریتی‌ها و سرمایه‌گذاری و تبلیغات و استقبال کم‌نظیر و فروش خارج از استانداردهای تئاتر ایران. متأسفانه موزیکال «بینویان» بر حجم این حملات افزود.

- البته کارشناسان نقد دیگری هم به این گونه نمایش در ایران وارد می‌دانند. اینکه ما ابزار و شناخت کافی برای به‌صحنه‌بردن چنین نمایش‌هایی را نداریم. نگاه شما چیست؟**

به‌طور طبیعی تا قبل از این موزیکال در ایران کمتر تجربه شده و مورد بحث یا تبادل نظر قرار گرفته است. به‌طور طبیعی تجربه‌ای هم شکل نگرفته است که بتوان به آن تکیه کرد. به‌لحاظ آکادمیک هم محلی برای کسب علم و دانش این حوزه نبوده و نیست. علاوه بر این برای تهیه و تولید این آثار در ایران هم هیچ نسخه‌ای وجود ندارد که بتوانیم یک اثر موزیکال را با شاخص‌های نمایش‌های ایرانی روی صحنه ببریم. این موضوع تا حد زیادی امکان‌پذیر نیست چراکه بازیگران ما چنین مهارتی ندارند و کمتر در میان بازیگران ایرانی یک بدن مناسب برای اثری موزیکال که سرشار از حرکت و طراحی است می‌بینید. آنها کمتر مهارت‌های آوازی دارند و اگر هم هست کاملا ذوقی است. بازیگران ما کمتر با سولفرژ آشنا هستند و می‌توانند روی نت آواز

بخوانند. اینها مهارت‌هایی است که در خارج از ایران همه از کودکی فرامی‌گیرند. در حالی‌که در اینجا ما یکباره از بازیگران می‌خواهیم که به جز دیالوگ و میزانشنی که باید مد نظر داشته باشند، با گروه ارکستر همراه شوند و آواز بخوانند. همه این موارد چالش‌هایی است که هر فردی وارد نمایش موزیکال می‌شود با آن روبه‌روست تا بر اساس ذائقه مخاطب ایرانی طراحی، تنظیم و اجرا شود. انگیزه اصلی من این بود. اینکه چطور می‌شود یک اثر موزیکال باشکوه و ایرانی ساخت که با تماشاگران ارتباط برقرار کند و در تمام سال‌های گذشته با ساخت موزیکال‌های غربی به ساخت اثری ایرانی و باشکوه از شاهنامه فردوسی فکر می‌کردم. چه قصه‌ای بهتر از اسفندیار و هفت خان او که کاملا منطبق با شرایط امروز ماست. قصه‌ای ایرانی که شاید کمتر شنیده باشیم. امروز در نقطه‌ای ایستاده‌ام که با اعتمادبه‌نفس بیشتری هفت خان را می‌سازم و گروه بزرگی از طراحان و هنرمندان در کنار من هستند.

- برخی منتقدان به جنبه دیگری از این گونه نمایشی تأکید می‌کنند. اینکه شاید در شرایط امروز چندان نیازی به اجرای چنین نمایش‌هایی نیست.**

بله. همواره سوءتفاهم‌هایی وجود دارد. این موضوع دیدگاه همه منتقدان و اصحاب فرهنگ و رسانه نیست. شاید برخی ضرورتی برای این گونه نمایشی که به کارهای بیک‌پروداکشن یا نمایش‌های بزرگ و پر هزینه معروف است نمی‌بینند و منتقدانه به این گونه نمایشی نگاه می‌کنند و آن را خیلی نیاز فرهنگی جامعه نمی‌بینند. البته این دیدگاه هم برای من قابل احترام است. سالانه بالغ بر هزار نمایش در شهرهای بزرگ و کوچک تولید و اجرا می‌شود. اجراهایی که برای سلاطین مختلف ساخته می‌شود و مخاطبان خودش را دارد اما کسی دیگر اشکال نمایشی را زیر سؤال نمی‌برد! و تنها موزیکال مورد حمله قرار می‌گیرد! محل اشکال کجاست؟ ما نمونه بسیار تأثیرگذاری در فرهنگ خود با عنوان تعزیه داریم که شکل دیگری از آمیزه

موسیقی و تئاتر است و دیگر تجربیات این حوزه در سال‌های گذشته که به فراخور زمان روی صحنه رفته‌اند. علت این حجم از مقاومت و مخالفت را نمی‌دانم که چرا باید نمایش‌های بزرگ یا موزیکال‌هایی از این دست را متعلق به قشر خاصی یا مرفه و بی‌درد یا نوکیسه یا لاکچری بدانیم.

به نظرم گروهی از منتقدان که با این گونه نمایشی مخالفت می‌کنند، مشکل‌شان زانر نیست بلکه شخص است. برخی قصه‌ها به یک فرهنگ خاص تعلق ندارد. این اتفاق در موسیقی هم عمومیت دارد. بسیاری از بزرگان موسیقی قطعاتی را ساختند و بارها توسط گروه‌های جوان و حرفه‌ای حتی ارکستر سمفونیک و ارکستر ملی مجدد نواخته می‌شوند. این نافی ارزش‌های هنری یک پدیده نیست. باید به سلاطین هم احترام بگذاریم و اجازه بدهیم مردم انتخاب کنند. به اعتقاد من اساسا هر نمایشی که با هزینه زیاد تولید می‌شود در تقابل با اندیشه‌ورزی یا صرف جنبه‌های تفننی نیست. طبیعی است هزینه بلیت با هزینه تولید افزایش پیدا می‌کند. به اعتقاد من با نگاه منصفانه به پدیده‌های نمایشی، چرایی ساخت نمایش‌های موزیکال با موضوعات ناب فرهنگی را باید فرصت تلقی کرد. اساسا چرا باید لوکیشن اجرای یک موزیکال یا قیمت بلیت آن با محاسبه هزینه‌های چند دهه برابری در مقایسه سایر آثار صرفا برای حسین پارسایی محل اشکال باشد؟! و بقیه گروه‌ها با همین مختصات در امان باشند؟! وقتی این‌چندگانگی را می‌بینم به کار خودم بیشتر ایمان می‌آورم. کسی اثر را نقد نمی‌کند بلکه صاحب اثر مورد حمله قرار می‌گیرد و با کلمه‌ها و کلیدواژه‌ها ترور می‌شود، خوشبختانه من از این ماجراها عبور کرده‌ام.

- اصلا چرا «هفت خان اسفندیار» را روی صحنه بردید؟**

اسفندیار در شاهنامه شخصیتی جذاب و تأثیرگذار است. شاهزاده و پهلوان، رویین‌تنی با عنوان آفریده مقدس که در دل شاهنامه وجود دارد و سرشار از حکمت و آموزه‌هایی است که امروز برای همه ما درس آموز است.

«الیور توئیست» و «بینویان» فرصتی بود تا من بیشتر پیاموزم و با بررسی و وقت نظری که این دو اثر داشتند بتوانم شخصیت‌پردازی و طراحی‌ها و امکانات سمعی و بصری که یک اثر نیاز دارد را به دست بیآورم. یک سال پیش زیر نظر استاد میرشکاک پژوهش آن را آغاز کردم تا بتوانیم نگاهی آزاد و مستقل به هفت خان اسفندیار داشته باشیم. در نگارش این اثر علاوه بر استفاده مستقیم از فرآیندهای از اشعار حماسی، در چند مورد بازسرای داشتیم و البته به فراخور موضوع، گریزی هم به اشعار مولانا و عطار داشتیم.

به عنوان مثال در بازخوانی این نمایش، اسفندیار برای یک سفر قهرمانی منطبق با جامعه امروز سیر و سلوک حماسی و عارفانه را پیش می‌گیرد و از حماسه به سمت عرفان حرکت می‌کند، بدیهی است ترانه‌سرایی در این اثر صرف شاهنامه نیست و نیازمند ترکیب تازه‌ای از سروده‌های مولانا و عطار و … بود. هر پروژه‌ای چالش‌های خاص خودش را دارد، در این میان ساخت آثار موزیکال با توجه به اینکه بازیگران انگشت‌شماری در این حوزه امکان بازیگری و خوانندگی دارند و تأمین هزینه‌های آن به عنوان یک اثر بیک‌پروداکشن (آثار عظیم و بزرخ) هماهنگی و مدیریت کلان هنرمندان در سطوح مختلف و ترکیب موسیقی یعنی ارکستر با نمایش و هنرپیشه‌ها، تمرینات آوازی بازیگران با مربی و رهبر ارکستر و هماهنگی همه این‌ عوامل با هم و آموزش‌های ضمن تمرین و آماده‌سازی هنرمندان و ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران و جذب مخاطب و بازگشت سرمایه چالش‌های منحصربه‌فرد این گونه نمایشی است. حالا شما تصور کنید بازیگران شما در مهر سال گذشته به خاطر شرایط اجتماعی و تغییر زمان اجرا (شش‌ماه بعد) و البته تعهدات قراردادی دیگر، برخلاف میل باطنی شما را ترک کنند و به عنوان کارگردان مجبور باشی با یک گروه دیگر همه چیز را از صفر شروع کنی و یک اسفندیار دیگر با ترکیب جدید بازیگران بسازی! خوشبختانه با هم‌راهی و همدلی گروه این اتفاق افتاد امروزهای سخت و طاقت‌فرسایی بر من گذشت.

درخصوص سال‌های اخیر و چند و چون مدیریت فرهنگی کشور حرف بسیار است و ساعت‌ها می‌توان در این حوزه صحبت کرد. شاید بشود با طرح چند پرسش به یک پاسخ مناسب رسید! متولی اصلی فرهنگ و هنر در کشور چیست؟ متولی نمایش خانگی چیست؟ سیاست فرهنگی یا فرهنگ سیاسی؟ یک بام و چند هوایی چه آسیب‌هایی به پیکره فرهنگ و هنر می‌زند؟ مجموعه مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چه محلی از اعراب دارد؟! آیین‌نامه‌های نظارتی در تهران و شهرستان‌ها چه تفاوتی دارد؟ اولویت‌های فرهنگی چیست؟ بخش خصوصی سرمایه‌داری به «اقتصاد سوده» با محوریت نفع شخصی تبدیل شد.

البته کتاب با وجود داشتن نقاط قوت بسیار، در تحلیل محدودیت‌هایی دارد. یکی از انتقادات می‌تواند ساده‌سازی روابط پیچیده اقتصادی و اجتماعی باشد. به‌عنوان مثال، تصویرسازی گریب از بدهی به‌عنوان عامل همیشگی قدرت و وابستگی، هیچ فضایی را برای بهره‌مندی مختصر گروه‌های اصطلاحا به‌دکار یا خلق ارزش‌های جدید متصور نیست. نکته دیگر اینکه برخی از استدلال‌های گریب به دلیل کیود شواهد تجربی مورد انتقاد قرار گرفته است. برای مثال، برخی از محققان اشاره کرده‌اند که شواهدی مبتنی بر وجود اشکال

### خبر

**رئیس سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر:**

### مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام اتحادی است به نفع مردم

سعید مقیسه در شبکه خبر راجع به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: این مصوبه اعلام اتحادی است به نفع مردم که به‌منظور اتحاد و هم‌افزایی بیشتر است و آنچه دیده می‌شود، نتیجه کار مشترکی است بین صداوسیما و وزارت ارشاد. به گزارش روابط عمومی سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (ساترا)، سعید مقیسه رئیس ساترا در بخش خبری ساعت ۱۰ شبکه خبر درباره مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان ماده واحده تعیین الزامات ساماندهی حوزه صوت و تصویر فراگیر گفت: این مصوبه در ادامه مأموریت‌ها و شرح وظایف قبلی سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است. برنامه‌ریزی کلان برای رسانه‌های کشور جزء وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی است. او افزود: این مصوبه مقومی بود برای شرح وظایف قبلی صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. هر نهاد تنظیم‌گر سه مأموریت اصلی دارد که عبارت‌اند از پیگیری حقوق مردم که در رسانه به‌عنوان مخاطب و در فضای مجازی با نام کاربر شناخته می‌شوند، پیگیری حقوق فعالان صنعت، ذی‌نفعان و تولیدکنندگان کسب‌وکار و در نهایت پیگیری منافع ملی و حاکمیتی. مقیسه در ادامه خاطر‌نشان کرد: مردم حق دارند محتوای سالم تقاضا کنند، حق دارند خواستار رعایت رده‌بندی سنی در محتوای ارائه‌شده در رسانه‌ها باشند، حق دارند حفظ حریم خصوصی خود را مطالبه کنند که احقاق این موارد با روش‌های مختلف جزء وظایف نهاد تنظیم‌گر است. او درباره حقوق فعالان صنعت و تولیدکنندگان کسب‌وکار هم صحبت کرد و گفت: این گروه نیز باید از فرایندها اطلاع داشته باشند و مورد حمایت قرار بگیرند. رئیس ساترا در ادامه تأکید کرد: نهادهای مسئول وظیفه دارند مأموریت‌های خود که حمایت از منافع ملی است را به شکل درست و دقیق اجرا کنند؛ برای نمونه از تولید محتوای سیاه‌نمایی جلوگیری به عمل آورند. این موارد جزء حقوق عامه است و نهادهای تنظیم‌گر باید قوانین و مصادیق را برای کسب‌وکارهای محتوایی خیلی دقیق و واضح مشخص کنند تا آنها بدانند چگونه باید مجوز بگیرند و چه فرآیندی را باید طی کنند. او افزود: تصویب ماده‌واحده تعیین الزامات ساماندهی حوزه صوت و تصویر فراگیر در رسانه‌های مسئولیت نظام و حاکمیت و شورای عالی انقلاب فرهنگی به انجام رسیده است. طبق این مصوبه، تفکیک وظایف اتحاد و انسجام بین صداوسیما، وزارت ارشاد و شورای عالی فضای مجازی مدنظر قرار گرفته است. برای نمونه پیش از این وظیفه صدور مجوز برای انتشار کتاب بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود؛ زمانی که این کتاب تبدیل به نسخه صوتی می‌شد، در حوزه صوت و تصویر فراگیر قرار می‌گرفت که در محدوده مأموریتی صداوسیما و ساترا بود. در این شرایط کسب‌وکارها با دو نهاد درگیر بودند که به‌منظور حمایت و تسهیل تمامی مراحل از ابتدا تا انتها مواردی که صدور مجوز سنتی بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود، مجددا بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گذاشته شد. مقیسه با اشاره به نحوه اجرای مأموریت صداوسیما در این مصوبه گفت: دستورالعمل‌ها و ضوابط صدور مجوز در محدوده مورد توافق برای تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با توافق صداوسیما تنظیم می‌شود اما وزارت ارشاد آن را اجرا خواهد کرد. او ادامه داد: تنظیم‌گری شبکه نمایش خانگی، برنامه‌های تلویزیونی، رسانه‌های کاربرمحور یا ناشرمحور و نظارت بر اجرای قوانین پخش زنده بر عهده صداوسیماست و نمایندگانی از وزارت ارشاد در جلسات شورای مجوز تولید و انتشار ساترا حضور خواهند داشت. مقیسه تأکید کرد: مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام اتحادی بود. به نفع مردم برای سالم‌سازی فضای مجازی و تسهیل و حمایت از کسب‌وکارها. این مصوبه به‌منظور اتحاد و هم‌افزایی بیشتر است و آنچه دیده می‌شود، نتیجه کار مشترکی است بین صداوسیما و وزارت ارشاد. او خاطر‌نشان کرد: ساترا در زمینه حمایت از حقوق مردم و کسب‌وکارها و پیگیری منافع ملی بسیار سخت‌گیر است. اگر برخی در فضای مجازی ادعا می‌کنند که ساترا سخت‌گیر است و مقصود از سخت‌گیری، مقابله با تخلف قانونی است بله، با بی‌قانونی مقابله خواهد شد. رئیس ساترا در ادامه تسهیل فعالیت رسانه‌ها را اصلی مهم برشمرد و عنوان کرد: به‌طور حتم از رسانه‌های قانون‌مدار حمایت می‌کنیم و ما حضور بخش خصوصی را کمکی به صداوسیما می‌دانیم. فعالیت آنها را در تبدیل ظرفیت فضای مجازی به فرصت مغتنم می‌شماریم که اگر این قانون‌مداری نباشد، تبدیل به تهدید خواهد شد. مقیسه در پایان صحبت‌های خود به مجمع «رصتا» پرداخت و گفت: یکی از حقوق بخش خصوصی مشورت با آنهاست. در همین راستا مجمعی مشورتی شامل تمام مجوزگیرندگان ساترا تشکیل دادیم؛ این مجمع حدود ۴۰۰ عضو دارد و ما در هر شورای تصمیم‌گیری ساترا از مجمع «رصتا» یک نماینده داریم تا این زیست‌بوم با مشارکت بخش خصوصی، ذی‌نفعان و دیگر نهادهای مرتبط شکل بگیرد.

اولیه پول در جوامع باستانی وجود دارد.

با وجود این انتقادات، بدهی همچنان کتابی تأثیرگذار است و به گسترش بحث درباره ماهیت پول و بدهی در جامعه معاصر کمک کرده است. استدلال گریب مبنی بر اینکه پول هرگز ختنی یا غیرسیاسی نیست در میان بسیاری از افرادی که نسبت به نظریه اصلی اقتصادی و نقش غالب بازار، بوده شکل‌دادن به روابط اجتماعی بدین هشتاد تأثیرگذار بوده است. این کتاب همچنین به‌عنوان الهام‌بخش جنبش اشغال وال‌استریت که توجه را به نابرابری‌ها و عدم تعادل قدرت در سیستم مالی جهانی جلب کرد، مورد توجه عموم مردم در سراسر جهان قرار گرفت. «بدهی: پنج هزار سال نخست» کتابی جاه‌طلبانه و قابل تأمل است که فرضیات ما را درباره منشأ و ماهیت پول و بدهی به چالش می‌کشد و همچنین الهام‌بخش گفت‌وگوی گسترده‌تری درباره نقش بدهی در شکل‌دهی جوامع بشری است. استدلال گریب مبنی بر اینکه بدهی یک رابطه اخلاقی و سیاسی نیز هست، دیدگاه ارزش‌مندی را درباره تعامل پیچیده بین کتابت، سیاست و جامعه ارائه می‌دهد. این اقتاب با زبان ساده خود، در طرح مفاهیم پیچیده اقتصادی و تاریخی مفصل‌بندی دقیق و جذابی دارد و ترجمه روان علی معظمی بر لذت خواندن کتاب می‌افزاید. کتاب «بدهی: پنج هزار سال نخست» اثر دیوید گریب و ترجمه علی معظمی توسط نشر چرخ در ۷۴۵ صفحه در قطع رقعی منتشر شده است.



## بدهی: پنج هزار سال نخست

### اثر دیوید گریب

**شیوا علیقنیان (دکترای انسان‌شناسی):** برای ما انسان شناسان ناامید از تخیل و نساواری نظری در پژوهش اجتماعی، کتاب «بدهی: پنج هزار سال نخست»، با ایده ساختار شکنانه‌اش درباره تاریخ «قرض» نقطه عطفی به حساب می‌آید. یکی از ظرفیت‌های بزرگ انسان‌شناسی قدرت‌ش در غیرطبیعی‌کردن و رمزگشایی مجدد جنبه‌های ابتدایی و بدیهی زندگی روزمره است. کاری که دیوید گریب انسان شناس فقید آمریکایی به‌خوبی از پس آن برمی‌آید. این کتاب که برای اولین بار در سال ۲۰۱۱ منتشر شد و تا حد زیادی تداعی‌کننده ایده کلاسیک مارسل موس در رساله پیشگشایی است، ثابت می‌کند که اعتبار برخلاف آنچه عموم اقتصاددانان می‌گویند نسخه بهبودیافته سیستم‌های مبادله قبلی در طول تاریخ نیست.

گریب با نگاه بدیع و انقلابی خود که پیش‌تر نیز از او دیدیم، این بار بیکنان تحلیلش را به سمت مفهوم «بدهی» گرفته و از ابتدا گزاره‌ای غافلگیر مطرح می‌کند: «تاریخ بدهی ضرورتا همان تاریخ پول نیست». او با طرح این پرسش تاریخچه چالش‌برانگیز بدهی و رابطه آن با تحول و تغییرات اجتماعی و اقتصادی پنج هزار سال گذشته را نشان می‌دهد.

او در استدلال خود خرد متعارف درباره منشأ

